

بررسی و تحلیل رویکردهای خیام‌شناسی در دوران معاصر

علی صفایی سنگری

استادیار دانشگاه گیلان

محسن بتلاب اکبرآبادی*

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

چکیده

شفاف‌سازی وجوه گوناگون فکری، اخلاقی و ... یک شخصیت تاریخی، چالش‌هایی را به دنبال خواهد داشت. این مشکلات تا حدی ناشی از گزینه‌های زمان و بایسته‌های آن از قبیل: تحریف، ابهام، گوناگونی و تناقض اخبار است. خیام، از جمله شخصیت‌هایی است که شناخت او با اتکا به منابع تاریخی، کلیت‌ها و مسائل مبهمی را فراروی پژوهشگران گذاشته است. با ترجمه فیتز جرالده از رباعیات خیام در قرن نوزدهم و شهرت روزافزون رباعیات او، پژوهشگران فراوانی در ایران و کشورهای دنیا، نگاه خود را به این شخصیت معطوف کردند و روند خیام‌شناسی وجهه‌ای دیگرگونه به خود گرفت؛ عاملی که فرایند این حرکت را به‌روشنی تحت پوشش قرار داده «اصل تناقض» است بدین معنی که عدم انسجام و روشمندی پژوهش‌ها و در مقابل هم قرار گرفتن پاره‌ای از آنها از یک طرف و تناقض‌های موجود میان رباعیات و دیگر آثار خیام از طرفی دیگر، به نوعی گسیختگی مضمونی و خلط روش‌ها انجامیده است تا حدی که فقدان یک هدف و برنامه مشخص در پژوهش‌ها، سیر تحقیقات را در بسیاری از موارد به تکرار رسانده است. این تحقیق بر آن است که با کنار هم نهادن رویکردهای گوناگون، و بررسی مواضع خلاف و اشتراک رهیافت‌ها با همدیگر، به روش‌شناسی و بررسی هرکدام از پژوهش‌ها در حوزه خیام‌شناسی پرداخته، ضمن برشمردن کاستی‌های موجود، تا حد امکان پیشنهادهایی را در جهت بهبود بخشیدن به سیر رویکردها داشته باشد. در پاره‌ای موارد نیز بنا به ضرورت پژوهش، بستر ساز رویکردهای جدید در زمینه خیام‌شناسی باشد.

کلیدواژه‌ها: خیام، رویکرد، روش‌شناسی، خیام‌شناسی.

تاریخ وصول: 89/8/3، تأیید نهایی: 91/4/24

*E-mail: akbarabadi@guilan.ac.ir

مقدمه

در دوران معاصر با شهرت خیام، وجه غالب نگاه پژوهشگران معطوف به رباعیات او شد و ابعاد دیگر خیام اعم از علمی و فلسفی و غیره در هاله‌ای از رباعیات ساختگی و پاک (رباعیات اصیل) فرو رفت؛ رباعیاتی که خاستگاه فلسفی و زایشی آنها، خیام‌های گوناگونی را به وجود آورد؛ تا جایی که در پاره‌ای از موارد پژوهشگرانی با مرکز قرار دادن این رباعیات به گزینش و تأیید آثار دیگر خیام پرداختند.

پراکندگی و گسیختگی مضمونی این رویکردها به حدی است که انسجام و طبقه‌بندی در قالب رهیافت‌های مشخص امری پیچیده و دشوار است. در یک نگاه تطبیقی به کتاب‌های نوشته‌شده در مورد خیام می‌توان گفت وجه اشتراک و شاخص بیشتر رویکردها، سیر جهت‌گرای آنها به سمت رباعیات است. از این رو با در نظر گرفتن این پیش‌زمینه و گستره و اقتضای این پژوهش - که مربوط به حوزه ادبیات است - در تقسیم‌بندی رویکردها مرکزیت را به رباعیات داده، از رباعیات جهت انسجام روش و سامان‌مندی پژوهش به « متن » تعبیر شد، لذا از این به بعد هر جا که صحبت از متن می‌شود منظور رباعیات است.

با این تعاریف می‌توان رویکردهای خیام‌شناسی را به چهار گروه زیر دسته‌بندی کرد:

1- رویکردهای برون‌متنی: شامل سه دسته از آثار می‌شود. نخست رهیافت نسخه‌شناسی، دوم تاریخی - تذکره‌ای و سوم رویکرد معطوف به دیگر آثار خیام است. در رهیافت نسخه‌شناسی پژوهشگران تلاش دارند تا نسخه‌ها و منابعی را که در آنها نامی از خیام و یا رباعیات او آمده‌است شناسایی و معرفی کنند.

در رهیافت تاریخی - تذکره‌ای، هدف نویسندگان این است که با استناد به منابع تاریخی، به شناسایی شخصیت و دوره خیام پردازند، که گاه نیز به گزینش رباعیات از طریق استدلال‌های تاریخی می‌انجامد. به علت نبودن اطلاعات کامل و جامع درباره زندگی و شخصیت خیام، نویسندگانی کوشیده‌اند تا با رهیافت داستانی به ذکر تاریخ دوره و زندگی خیام پردازند؛ از این رو

رویکرد تاریخی تذکره‌ای به دو مقوله مطالعات تاریخی و داستانی تقسیم‌بندی شد. رویکرد دیگر آثار علمی - فلسفی رهیافتی است که در طی آن پژوهشگران به تحلیل دیگر آثار خیام - غیر از رباعیات می‌پردازند که شامل سه حوزه ذیل است:

الف) آثار علمی (ب) آثار فلسفی (ج) آثار ادبی که شامل *نوروزنامه* و اشعار عربی خیام می‌شود.

2- رویکردهای درون‌متنی: شامل رویکرد گزینش رباعیات و تحلیل آنها می‌شود. در رویکرد گزینش رباعیات، اساس کار پژوهشگران بر نسخه‌شناسی بنا نهاده شده است که بعد از یافتن "رباعیات کلید"، از طریق استدلال‌های گوناگون به جستجوی دیگر رباعیات خیام پرداخته‌اند.

در تحلیل رباعیات، وجه غالب پژوهش‌ها شامل سه حوزه فلسفی، ادبی و عرفانی است. در رهیافت فلسفی با دو آبخور فکری جدا روبه‌رو هستیم: نخست تحلیل فلسفی رباعیات با اتکا بر مبانی فلسفه غرب از جمله: نیهیلیستی، ماتریالیستی و ... دیگر، تحلیل فلسفی رباعیات از طریق اندیشه‌های مذکور در فلسفه اسلامی مانند: مباحث کلامی، فقهی و ...

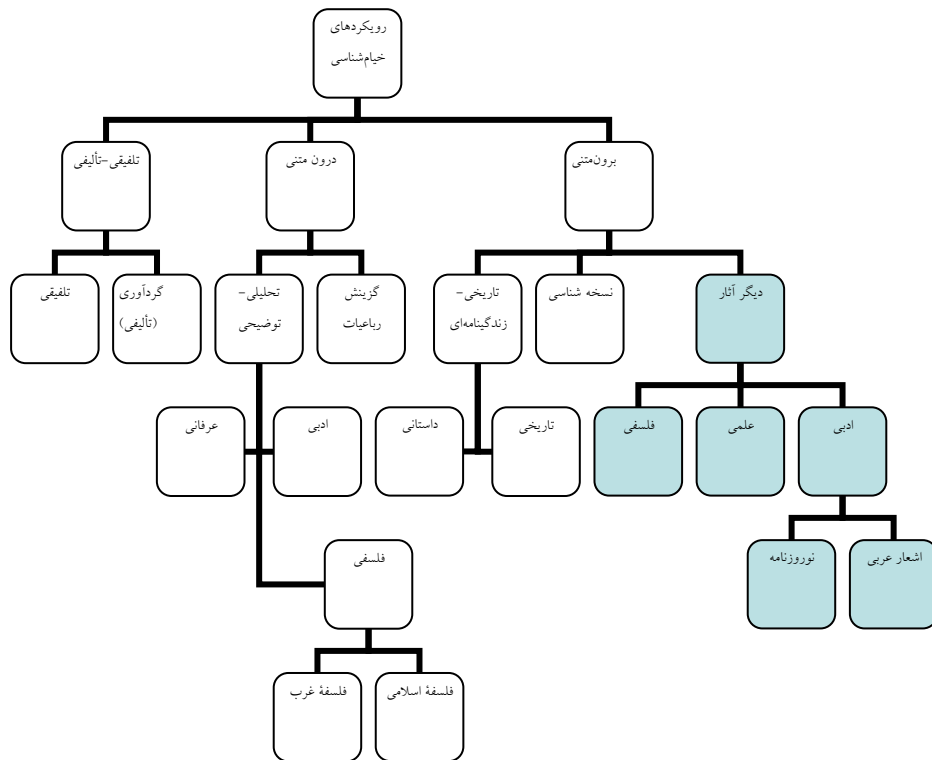
در رهیافت ادبی، تلاش پژوهشگران بیشتر شامل بررسی مسائل زیباشناسی ابیات و شرح و توضیح لغات و اصطلاحات دشوار است.

رهیافت عرفانی از جمله روش‌هایی است که محققان برای دفاع از شخصیت خیام و تبرئه او از اتهام‌های گوناگون، به کار بسته‌اند.

3- رویکردهای تلفیقی-تالیفی: منظور، رویکردهایی است که روشی واحد در پرداختن به مسئله خیام ندارند و از رهیافت‌های گوناگون، به خیام نگاه کرده‌اند. این رویکرد شامل دو رهیافت مستقل می‌باشد: نخست رهیافت تلفیقی است که پژوهشگر در طی آن تلاش می‌کند تا از جنبه‌های گوناگون، مانند: تاریخی، نسخه‌شناسی، تحلیلی، گزینش رباعیات و ... به شخصیت خیام نگاه کند.

دوم: رهیافت تالیفی است که اساس آن را «نقل قول» پژوهشگران دیگر تشکیل می‌دهد. محقق در این رهیافت تلاش می‌کند تا با گردآوری نظرات پژوهشگران دیگر، به بررسی ابعاد شخصیتی خیام بپردازد.

با این مقدمات می توان نمودار رویکردهای پژوهشگران معاصر را چنین ترسیم کرد:



الف) رویکردهای برون‌متنی

الف-1) رهیافت نسخه‌شناسی و تصحیح نسخه

پایه و اساس تحقیقات خیام‌شناسی، نسخه‌شناسی و میزان‌ها و ملاک‌های مربوط به آن است. با شهرت روزافزون رباعیات خیام که بیشتر محققان، آن را مدیون ترجمه فیتز جرالدمی‌دانند؛ به‌ناگاه وجهه علمی خیام در پوششی از رباعیات منسوب و اصیل پنهان ماند و پژوهشگران اساس کار خود را در جستن رباعیات اصیل خیام و به تبع آن یافتن نسخه‌های مستند و قابل اطمینان، گذاشتند.

در زمینه نسخه‌شناسی، نخستین بار غربی‌ها و مستشرقین بودند که سعی در یافتن نسخه‌هایی کردند که در آنها به نحوی نام یا رباعی‌ای از خیام آمده بود، و پژوهشگران ایرانی با روش‌های خاص خود به واسطه مأنوس بودن هرچه بیشتر با فضا و ویژگی‌های عصری که نسخه در آن نوشته شده است، به تفسیر و تأویل و نقد آثار مربوطه پرداختند، لذا باید آغاز رویکرد نسخه‌شناسی را به غربی‌ها نسبت داد. از پیشگامان نسخه‌شناسی در غرب می‌توان به «ژوکوفسکی» ایران‌شناس روسی، «ادوارد براون» و «کریستین سن» اشاره کرد.

با نگاهی به تلاش محققان در زمینه نسخه‌شناسی می‌توان گستره این تحقیقات را در سه عنوان ذیل، جای داد:

1- منابعی که در آنها نامی از خیام آمده است. 2- منابعی که در آنها به صراحت رباعیاتی به نام خیام آمده است. 3- منابعی که در آنها به رباعیات منسوب به خیام بدون ذکر گوینده استناد شده است.

با شهرت روزافزون خیام، محققان در جهت یافتن رباعیات اصیل، اصل همت خود را بر یافتن منابعی نهادند که در پیشبرد این هدف آنها را یاری کند؛ لذا تحقیقات مسیر جامع‌تر و کامل‌تری به خود گرفت و نسخه‌های فراوانی معرفی شد. اما مهم‌ترین منابعی که محققان در آثار خویش به آنها استناد کرده، آنها را اساس کار خود قرار داده‌اند (منابعی که در آنها رباعیاتی به نام خیام آمده به ترتیب موثق بودن و میزان استناد به آنها) عبارت‌اند از:

-التنبیه

1 رباعی

	2 رباعی	- مرصادالعباد	
	1 رباعی	- تاریخ جهانگشای جوینی	
	33 رباعی	- نزهةالمجالس	
از همان	13 رباعی	- مونس الاحرار	
مشکلات	158 رباعی	- نسخه بودلیان	
فراروی	559 رباعی	- طربخانه	
وجود آمد	329 رباعی	- نسخه فریدریخ روزن	
ترین آن	252 رباعی	- نسخه کمبریج	
منابع دست	172 رباعی	- نسخه چستربیتی	
نزدیک به	247 رباعی	- نسخه نیویورک	
خیام در آن	322 رباعی	- نسخه نخجوانی	
کرد، بود.	6 رباعی	جنگ اشعار کتابخانه مجلس	
	9 رباعی	نسخه رائف بیگ	

محققان در یافتن این منابع راهگشای مسائلی چند، در زمینه شخصیت و شعر خیام شد. اما همان‌طور که در منابع مذکور نیز مشاهده می‌شود با کشف منابع جدید پس از مونس‌الاحرار، رباعیات سیری صعودی به خود می‌گیرد؛ همین تناقضات و اختلاف‌های موجود در منابع یافت‌شده، مسائل و ابهام‌های جدیدی را در زمینه خیام‌شناسی به وجود آورد. از جمله مشکلات مربوط به این رویکرد (نسخه‌شناسی) را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

1 - اختلاف در شناسایی قدیم‌ترین منبع موجود که نامی از خیام یا رباعیات در آن آمده است؛ 2 - تناقض‌های موجود در زمینه شخصیت و شعر خیام در منابع مختلف؛ 3 - عدم وجود اطلاعات جامع و کامل در باره زندگی خیام در این منابع؛ 4 - سیر رو به رشد رباعیات از قرن هشتم به بعد و بالا رفتن میزان رباعیات ساختگی در منابع موجود؛ 5 - تحریرهای مختلف از یک رباعی در چند منبع؛ 6 - نگرش ذوقی محققان به منابع مختلف و در نتیجه خوانش‌های متفاوت از رباعیات خیام.

در تحقیقات معاصر اکثر محققان بخشی را به نسخه‌شناسی تخصیص داده‌اند، اما از محققانی که به طور جدی به بررسی و تحلیل نسخه‌های مختلف پرداخته‌اند، می‌توان به این افراد اشاره کرد:

بدیع‌الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، علامه قزوینی، مجتبی مینوی، محسن فرزانه، فروغی و غنی، محمدمهدی فولادوند، اسماعیل یکانی، عباس اقبال آشتیانی، صادق هدایت، علی دشتی، سید علی میرافضلی، رحیم رضازاده ملک، محمدرضا شفیعی کدکنی.

با نگاهی کلی به جریان نسخه‌شناسی و تصحیح نسخه می‌توان گفت که سیر نسخه‌شناسی و تصحیح نسخه، از شیوه‌های تصحیح و یافتن متون، به تحلیل‌های انتقادی در چند سال اخیر منجر شده است، اما هنوز کارهایی در جهت نسخه‌شناسی، آن هم یافتن نسخه‌های جدید، صورت می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که پژوهشگران نسخه‌شناس، به نسخه‌های یافت‌شده قناعت نمی‌کنند و در پی یافتن نسخه‌های جدیدی در این زمینه هستند تا بتوانند رباعیات اصیل را از لابه‌لای آنها بیرون بکشند؛ لذا صرف نسخه‌شناسی نمی‌تواند در مسئله خیام‌شناسی راهگشا باشد و باید از رویکردهای دیگر نیز در این زمینه بهره جست.

الف - 2) رویکرد تاریخی - زندگینامه‌ای

رویکرد تاریخی - زندگینامه‌ای، در نگاه منتقدان، نگرشی سنتی پنداشته می‌شود که «اصول اساسی و مطرح‌شده در این نگاه را می‌توان، اصل و نسب، محیط اجتماعی و زمان دانست. مواردی که به نحوی نشانه جبرگرایی وراثتی و محیطی است. به بیان ساده در این شیوه، اثر ادبی، به نوعی بازتاب زندگی نویسنده و زمانه او یا زندگی و زمانه شخصیت‌های آن اثر تلقی می‌شود» (گرین و دیگران، 1376: 38 - 39).

اشتهار ناگهانی خیام در غرب و در پی آن سرایت این «شهرت غرب زده» به ایران، باعث شد که ادیبان و محققان در جهت تأیید و تکذیب خیام غربی، دست به قلم ببرند و بدین وسیله دین خود را نسبت به خیام ادا کنند. در این میان اگرچه بیشتر نگاه‌ها معطوف به رباعیات و مسائل خاص این حوزه شد، اما نویسندگان و پژوهشگرانی هم بودند که اساس کار خود را بر بحث زندگینامه - ای و تاریخی شخصیت خیام نهادند. ناگفته نماند که در بیشتر موارد غرض اصلی این نگاه نیز رسیدن به بافت فکری مطرح‌شده در رباعیات است. در این رویکرد عده‌ای از محققان بر آن شده‌اند تا در یک چشم‌انداز گسترده، شرایط غالب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عصر و تأثیرهای

آن را بر بافت فکری مردم و به ویژه خیام بررسی کنند. ایشان با ایجاد رابطه بین اثر، نویسنده و اجتماع تلاش کرده‌اند به ساختاری منسجم از این سه عنصر دست یابند.

در این میان آثاری نیز وجود دارد که جنبه پژوهشی و علمی ندارند و با رویکردی داستانی نوشته شده‌اند. از آنجا که رهیافت این کتاب‌ها و جبهه‌های تاریخی و تذکره‌ای به خود گرفته، آنها را زیر مجموعه رویکرد، تاریخی-زندگینامه‌ای قرار دادیم.

الف- 2- 1) رهیافت تاریخی

رهیافت تاریخی-زندگینامه‌ای، با وجود فواید مؤثر در شناخت خیام، آفات گوناگونی نیز داراست. برخی از این عیوب، ذاتی مطالعات تاریخی است که هیچ‌گیز و گریزی از آن نیست. بعضی دیگر به نوع نگاه پژوهشگر بر می‌گردد که جنبه عرضی دارد و قابل رفع است.

1- آفات ذاتی منابع تاریخی

الف) پراکندگی روایات: روایت‌ها و تعاریف گوناگون از خیام در منابع مختلف باعث شده تا خیام چهره‌ای چندگانه و متعارض به خود بگیرد لذا همین امر یکی از مهم‌ترین دلایل تناقضات موجود در رویکردهای خیام‌شناسی محسوب می‌شود.

ب) دید اجمالی و تک‌منظری: از مهم‌ترین ویژگی‌های مربوط به منابع تاریخی خیام، تک‌منظری بودن آنهاست. تا اوایل قرن ششم به صورت بسیار کوتاه فقط به جنبه علمی خیام اشاره شده است، آن هم در حد کلی و تذکره‌ای. در منابع قرن ششم به بعد اگرچه از تفصیل بیشتری برخوردارند اما تفاوت‌های آشکار آنها با منابع پیشین و قالب قصه‌ای آنها، نمودی افسانه‌ای و انتزاعی به آنها داده، از اعتبار و صحت آنها کاسته است.

2- آفات‌های پژوهشی

الف) گزینش و حصرگرایی روش‌شناختی: «هیچ مطالعه علمی اعم از پژوهش‌های رایج در دانش‌های طبیعی و علوم اجتماعی، گریزی از گزینش ندارد» (قراملکی، 1380: 241). این چنین گزینشی گاه نه تنها عیب شمرده نمی‌شود، که از لحاظ روش‌شناسی نیز چون محدوده مشخصی دارد و دامنه هدف‌شناسی آن گسترده و پراکنده نیست، روشی سودمند شمرده می‌شود که نتیجه‌ای آشکار و به دور از ابهام خواهد داشت؛ اما غفلت ناشی از گزینشی بودن در این

رویکرد، نوعی ابهام و جزم‌گرایی را در پی خواهد داشت. در زمینه خیام نیز غفلت از جنبه‌های گوناگون تاریخی و تمرکز بر یک وجهه، نوعی خیام کاریکاتوری به وجود آورده است. گاه تکیه پژوهشگران را بر مواردی خاص نمی‌توان ناشی از غفلت دانست بلکه با بررسی بیشتر متوجه «تغافل» در این آثار می‌شویم؛ چنانکه تکیه آگاهانه هدایت، مینوی و فرزانه را بر برخی از ویژگی‌ها و آثار خیام مانند *نوروزنامه* و بی‌توجهی به آثار فلسفی خیام می‌توان بیشتر ناشی از «تغافل» دانست تا غفلت.

ب) تطبیق و تعمیم زمینه‌های تاریخی در سطح رباعیات: یکی از خطراتی که دام‌نگیر تحقیقات تاریخی خیام‌شناسی شده است، افراط در تفسیر رباعیات با زمینه‌های تاریخی است. چنین نیست که توجه به مسائل تاریخی به خودی خود عیب شمرده شود، بلکه گاه افراط در این زمینه اشتباهاتی را فراهم می‌آورد. علاقه شدید برخی از پژوهشگران به زمینه‌های تاریخی باعث شده است که به هر نحوی تاریخ را با رباعیات و رباعیات را با تاریخ تطبیق دهند. «اینکه خیام به ماوراء النهر و یا نزدیک سیحون و جیحون رفته بود و یا حتی دورتر، به سوی ترکستان معلوم نیست و لیکن در برخی اشعار به رودخانه جیحون و حتی نام چین اشارت و کفایت دارد» گو اینکه گوید: «جیحون، اثری ز اشک پالوده ماست» در این بیت به سفرهای بغداد و بلخ نیز اشارت ورزیده و گوید:

« چون عمر به سر رسد چه شیرین و چه تلخ بیمانان چو پر شد، چه نشابور و چه بلخ»

(مهاجر شیروانی، 14:1381)

بیشتر نویسندگان در پژوهش خود گوشه چشمی به زندگینامه و تاریخ عصر خیام داشته‌اند و از آن بهره برده‌اند، تا جایی که می‌توان گفت رویکرد تاریخی - زندگی‌نامه‌ای پایه استوار تحقیقات خیام‌شناسی است. در این میان نویسندگانی هستند که آثارشان رنگی تاریخی - زندگینامه‌ای به خود گرفته و آنها را از دیگر کارها جدا ساخته است.

الف-2-1-1) عبدالرحیم شهولی

آقای شهولی در حکیم عمر خیام و زمان او بنای کار خویش را بر رویکردی تاریخی - زندگینامه‌ای می‌نهد و معتقد است که « افکار شاعر همیشه انعکاس حالات دنیای بیرون است... و

خیزگاه هنر همیشه محیط اجتماعی زیست آدمی است، که در راهیابی به مسائل، نخستین معلم، زندگی و طبیعت است» (شهوولی، 1353؛ 19).

غرض اصلی نویسنده در این کتاب، روشنگری زمانه خيام با استناد به تفسیر اجتماعی تاریخی رباعیات است. بدین سان که ابتدا به طرح و تفسیر مسئله‌ای اجتماعی می‌پردازد، سپس با تکیه بر رباعی‌ای با این مضمون، شأن سرایش و صحت انتساب رباعی را مطرح می‌کند. سرانجام در یک هم‌پوشی و استقراء برای تایید و گسترش تفکر خيامی، به ذکر نکاتی چند از آثار مشابه با این مضمون می‌پردازد. در این هم‌پوشی بیشتر اشعار حافظ را مد نظر قرار می‌دهد که شاید بتوان آن را نوعی تعدیل سازی و تبریئه شخصیت خيام در مواردی چند دانست. روش نویسنده را در این اثر می‌توان به صورت زیر نشان داد:

← طرح مسئله اجتماعی
← استناد به رباعی‌ای با مضمون اجتماعی
← تفسیر تاریخی اجتماعی رباعی

گسترش تفکر خيامی با مصداق جویی در آثار دیگران.

برداشت اجتماعی نویسنده از رباعیات تا آنجا که مربوط به مسائل و شرایط اجتماعی دوره خيام است، تا حدودی راه اعتدال می‌پیماید، اما آنجا که پای زندگی شخصی خيام به میان کشیده می‌شود، نوعی تحمیل و تزریق اندیشه (تفسیر به رای) را در پی دارد: «هر چند که رنگ و روی زیباست مرا/ چون لاله رخ و چو سرو بالاست مرا / معلوم نشد که در طربخانه خاک / نقاش ازل بهر چه آراست مرا». آقای شهوولی در تفسیر این رباعی این چنین بیان می‌کند که «خيام از روی این رباعی باید قامتی بلند و چهره‌ای زیبا و سرخ‌گونه و رعنا داشته باشد که همگی گواه سلامت جسمی و قدرت تن نیروی کافی برای فعالیت‌های علمی بوده و زن و شراب پیوندهای اساسی خيام با این زندگی دنیایی است» (همان: 68).

الف-2-1-2) محمد محیط طباطبایی

از دیگر پژوهشگرانی که اساس کار خویش را بر رویکرد تاریخی بنا نهاده، محمد محیط طباطبایی است. به راستی می‌توان خيامی یا خيام او را یکی از جنجال آفرین‌ترین کارهای مربوط به خيام دانست. اثری که موضوع آن رباعیات و اندیشه‌های مربوط به آنها و دیگر آثار علمی و فلسفی خيام نیست، که این بار جنبه وجودی خيام است که زیر سؤال می‌رود. تناقض موجود میان

آثار علمی و فلسفی خیام و مضامین مطرح شده در رباعیات و مخصوصاً انتساب *نوروزنامه* به او، باعث شده است که گمانه‌چند خیامی در ذهن او نقش ببندد. یکی از محکم‌ترین دلایل این فرضیه، اشاره نکردن زمخشری، نظامی عروضی، بیهقی و خازنی به شاعری خیام است. آقای طباطبایی پس از مقدمه‌چینی و نمایش سیر تداخل جنبه‌های شخصیتی خیام‌های مختلف، به معرفی چهار خیام می‌پردازد: 1- خیامی حقیقی: همان عمر خیام نیشابوری، فیلسوف ریاضی‌دان، حجه الحق، خواجه امام، راصد، عالم به فقه و لغت، تاریخ و تفسیر و قرائت، غیاث‌الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیامی نیشابوری.

2- علاء‌الدین علی بن محمد بن احمد بن خلف خراسانی معروف به خیام، که دارای دیوان شعری به فارسی بوده و شعر او در خراسان و آذربایجان در نیمه دوم قرن هفتم هجری، معروف و مشهور بوده است (بنابر روایات ابن فوطی، صاحب *معجم‌اللقاب*).

3- خیام مجعول نویسندگان *جامع‌التواریخ و تذکره‌الملوک و وصایای خواجه نظام‌الملک* که هیچ‌گونه مزیت علمی و ادبی ندارد. این خیام با خواجه نظام‌الملک و حسن صباح همدرس بوده است.

4- عمر بن محمد خیام استرآبادی که یار احمد رشیدی پانصد و پنجاه رباعی را بنا به فهرست چاپ *کامل طربخانه*، در مجموعه *طربخانه* بر حسب موضوع به نام او مرتب کرده است. ولادت او 12 محرم سال 455 در مقام دهک از توابع دهستان نیمروز از بلوکات استرآباد بوده است (ر.ک؛ محیط طباطبایی، 1370: 58-61)

نقد تاریخی محیط طباطبایی بیشتر شامل بررسی شخصیت و صحت آثار منسوب به خیام از جمله *نوروزنامه* و رباعیات است. بنابراین "خیام یا خیامی" را می‌توان، پژوهشی مسئله‌محور با رهیافتی تاریخی دانست. روشمندی، تمرکز دقیق مطالعات تاریخی نویسنده در مورد پژوهش مربوط، همگی دست به دست هم داده‌اند تا این اثر (چه بجا و چه نابجا) راهی راست و به دور از پراکندگی بپیماید. رویکرد تاریخی نویسنده در این پژوهش، با توجه به موازین علمی آن یعنی استناد به شواهد و کتب گذشتگان، شناسایی آثار و نوشته‌های شخصیت‌های مورد نظر پژوهش، بررسی زندگی شخصی و مرام اجتماعی سیاسی شاعر مورد نظر و اشاره گذرا به مسائل اجتماعی دوره مدنظر را می‌توان روشی موفق از لحاظ ویژگی‌های تحقیقاتی و پژوهشی دانست. از لحاظ

کیفی و شیوه استدلالی روش اثبات‌گرایانه او باعث شده است که در زمینه‌هایی برای تحمیل و تایید اندیشه خود از نوعی تعصب و ذوق بهره بگیرد. مثلاً در جداسازی شخصیت خیام و خیامی آنجا که پای آثار فلسفی و ریاضی به میان می‌آید، برای انتساب این آثار به خیامی - نه خیام - معتقد است که «اگر در برخی از نسخه‌های این آثار، این نسبت به صورت خیام در آمده باشد، آنها به طور مسلم از تصرفات قلم کاتب و از درجه اعتبار ساقط است» (محیط طباطبایی، 1370: 29). حال آنکه آقای رحیم رضازاده ملک در *دانشنامه خیامی* که به ذکر آثار فلسفی و ریاضی خیام پرداخته، ضمن مقابله نسخه‌های متفاوت در رساله‌هایی مانند «رساله جواب ثلاث مسائل» «رساله فی الوجود» «ترجمه خطبه غرّای ابن سینا» و... از نویسنده آنها با نام خیام یاد می‌کند.

محیط طباطبایی همچنین برای اثبات گفته خود ضمن اشاره به جعلی بودن رباعی‌های موجود در *مرصاد العباد* و انتساب آنها به بابا افضل کاشانی و مهستی گنجوی، معتقد است که «اسم عمر خیام و رسم شاعری و رباعی‌گویی او از خریده عماد و رساله تنبیه امام فخر به *مرصاد العباد* نجم - الدین رازی و *تاریخ الحکمای قفطی* راه یافته و بر آن پیرایه‌های دیگر بسته اند» (همان: 34). همین عوامل نوعی حصرگرایی روش‌شناختی را در این اثر به وجود آورده است.

الف - 2 - 1 - 3) احمد شهوری، بنفشه حجازی

احمد شهوری در *جهان‌بینی حکیم عمر خیام نیشابوری* و بنفشه حجازی نیز در *دایره حیرت* از جمله کسانی هستند که سعی دارند با استناد به روزگار خیام، چهره‌های مختلف علمی، ادبی، فلسفی و جهان‌بینی او را تشریح کنند که علاوه بر گفته‌های شهولی و محیط طباطبایی چیزی برای گفتن ندارند.

باید گفت که رویکرد تاریخی زندگینامه‌ای نیز مانند نسخه‌شناسی، بسته به یافتن منبع جدیدی از روزگار خیام است مگر اینکه در تفسیر رباعیات علاوه بر رویکرد تاریخی زندگینامه‌ای از ملاحظات دیگر مانند مبانی نقد نو نیز بهره جست و آلا این رویکرد نیز به بن بست خواهد رسید.

الف - 2 - 2) رهیافت زندگینامه‌ای (داستانی)

موانع تاریخی موجود، تحلیل‌ها و پراکندگی‌های ناشی از آن در شعر و شخصیت خیام، ... و پرهیز از بحث‌های خسته‌کننده علمی و فلسفی، باعث چنین رهیافت‌های داستانی به خیام شده

است. قبل از پرداختن به آثار نوشته‌شده در این زمینه، ذکر ویژگی‌هایی چند از این آثار می‌تواند تمایز موجود میان این رهیافت با رهیافت‌های تاریخی را نشان دهد:

1- در رویکردهای تاریخی زندگینامه‌ای توجه نویسنده بیشتر بر شناساندن محیط اجتماعی و سیاسی بنا نهاده شده است و در زمینه‌هایی هم که با برداشت تاریخی - زندگی‌نامه‌ای از رباعیات، سعی در معرفی خلق و خوی شخصی و حتی ویژگی‌های جسمی داشتند، تفسیر آنها جنبه‌ای ساده-انگارانه و گاه مضحک به خود می‌گرفت، حال آنکه در داستان‌های تاریخی به علت پتانسیل بالای داستان و قدرت نمایشی حاصل از عناصر داستان، نویسنده با مقدمه‌چینی‌های داستانی، ویژگی‌های جسمی و حتی بالاتر از آن حالات روانی و طرز تفکر فردی خیام را به تصویر می‌کشد.

2- در کتاب‌های نوع اول (تاریخی - زندگی‌نامه‌ای) تکیه بیشتر بر مستندات تاریخی است که گاه برای توجیه و تأیید گفته خود، از ذوق بهره می‌گیرند، اما در داستان‌های تاریخی، ذوق و خیال نویسنده است که مستندات تاریخی را پردازش می‌کند. نتیجه چنین نگاهی را می‌توان این گونه نیز بیان کرد که در مستندات تاریخی حرکت از تخیل به تاریخ است اما در داستان تاریخی، میل نویسنده روانه شدن از تاریخ به تخیل است.

الف - 2 - 1) مصطفی بادکوبه‌ای هزاره‌ای

مصطفی بادکوبه‌ای هزاره‌ای، از جمله نویسندگانی است که در زندگی خیام اساس کار خویش را بر داستان‌نویسی قرار داده است. کتاب او را به لحاظ استناد فراوان به حوادث تاریخی عصر خیام و سرگذشت شخصی وی بر اساس منابع نزدیک به قرن او و همچنین ارجاع‌های متوالی به آثار علمی و فلسفی خیام، در میان دیگر آثار نوشته‌شده با این رویکرد، می‌توان جامع‌ترین و کامل‌ترین آنها به شمار آورد. یکی از اهداف مهم نویسنده از این داستان تاریخی، پاک‌سازی خیام از تهمت‌هایی است که به او نسبت داده‌اند. مثلاً در جای‌جای داستان، خیام را شراب‌خوار نمی‌داند و او را چنان توصیف می‌کند که گویا وی از نوشیدنی‌هایی مانند شربت زعفران و شربت ریواس که از لحاظ جغرافیایی نیز با سرزمین خراسان سازگاری دارد استفاده می‌کرده است و از طرفی با این فضاسازی به داستان نمودی واقعی‌تر می‌بخشد (ر.ک، بادکوبه‌ای، 1379: 46).

الف - 2 - 2) فریدون گرایلی

«فریدون گرایلی» در نیشابور و محاکمه عمر خیام، کتاب خویش را به دو بخش داستانی مجزا تقسیم کرده است: «بخش اول زدودن غبار از چهره پاک و مقدس و ملکوتی حکیم عمر خیام است که متأسفانه در زیر بار شلاق تکفیر عده‌ای از مقدس‌مآبان ناآگاه قرار گرفته است و بخش دوم زندگی نیشابور، در همان قالب {داستان} است که امیدوارم خوانندگان بیشتری را به سوی خود جلب کند» (گرایلی، 1379: 15). درونمایه داستان در آن بخش از کتاب که مربوط به عمر خیام است، رفع تهمت و تبرئه خیام است. نویسنده سعی کرده است حوادثی از زندگی خیام را گزینش کند که بوی الحاد و تهمت از آنها بر می‌خیزد، تا بتواند با استدلال‌های داستانی و گاه تاریخی، به رفع این اتهامات پردازد و در نهایت به نوعی شفاف‌سازی در این زمینه برسد. به لحاظ رویکردهای خیام‌شناسی از جمله مزایای این داستان: سیر مشخص، هدف‌مندی و نتیجه مشخص است، چنان که سرانجام مشخص داستان این گونه بیان می‌شود که «حکیم عمر خیام از کلیه اتهامات وارده مبرا است. زیرا شاکیان در حقیقت یک جریان فکری هستند در کسوت‌های مختلف که دیگر حنای آنها رنگی ندارد لذا عنوان متهم از عمر خیام حذف می‌شود» (همان: 77). اما، گزینشی برخوردار کردن، جهت‌گیری‌های افراطی در جهت بت ساختن خیام تا حد استفاده از اشعار مدحی، از معایبی است که ردپای نویسنده و ذوقیات او را به خوبی در داستان نشان می‌دهد.

الف - 2 - 3) بتول سعیدی

«بتول سعیدی» نیز در *نابغه نیشابور طی* یک داستان تقریباً کوتاه تلاش کرده است تا بر پایه بعضی از مستندات تاریخی موجود، گوشه‌هایی از زندگی خیام به ویژه وجهه علمی خیام را به تصویر بکشد. اگر چه اصولاً در داستان فضای تحلیل و بررسی‌های موشکافانه و قدرت جولان بیشتری نسبت به تاریخ وجود دارد، اما نویسنده در این اثر به کلیات تکراری بسنده کرده است و داستان در سطح بسیار ابتدایی پیش می‌رود.

رهیافت داستان‌نویسی از آنجا که بیشتر بر اصل «روایت ثبت شده امور» که فرض شده است رخ داده‌اند» (اسکولز، 1377: 5) بنیاد نهاده شده است، در رویکردهای خیام‌شناسی حکم کاتالیزوری را دارد که سریع‌تر و بهتر شخصیت خیام را در ذهن نهادینه می‌کند، لذا صحت اسناد روایات تاریخی که در داستان پردازش می‌شود، می‌تواند نقش عنصر بنیادی و مثبت را در این جایگاه (خیام‌شناسی) داشته باشد، اما عکس آن نیز می‌تواند حادثه تاریخی خیام را به سمت

خیالپردازی بکشاند و بر پراکندگی و شاخ و برگ‌دهی هر چه بیشتر و به دنبال آن متناقض‌تر نمایاندن شخصیت خیام، بیفزاید.

ب) رویکردهای درون‌متنی

ب-1) رویکرد تحلیلی - توضیحی

پژوهشگران خیام‌شناس، در جای جای کارهای خویش، تلاش داشته‌اند تا به شکلی، گریزی به تحلیل محتوایی رباعیات داشته باشند، اما از آنجا که «تحلیل محتوا پژوهشی است که بر اساس قواعد، احکام و روش‌های مشخص انجام می‌گیرد» (از کیا، 1382: 389) و همچنین بر اساس مسئله بسامد و وجه غالب یک پژوهش، بسیاری از آثار در این رویکرد قرار نگرفتند. با این تعاریف بنیاد کار ما در این رویکرد، کتاب‌هایی است که پژوهشگر تلاش کرده تا در یک روش نظام‌مند و فراگیر، نهانی‌ها و اندیشه‌های به کار رفته در رباعیات را مورد بررسی قرار دهد. از مزایای این رویکرد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- 1- تعیین دقیق تعاریف و مرزبندی‌های پژوهشی. 2- هدف‌مندی و مشخص بودن نتیجه 3- روشمند بودن و در نتیجه بالا بردن قدرت استنتاج و پیش‌بینی خواننده 4- فشرده‌سازی مضامین در خط فکری خاص و افزایش قدرت تحلیل نویسنده.
- البته این رویکرد معایبی نیز دارد که عبارتند از:
- 1- عدم توجه به مضامین بیرونی (نقد برون‌متنی) 2- عدم تحلیل همسان محتوا و معنای داده‌ها برای نویسندگان گوناگون و در نتیجه تناقض استنتاج‌ها (مانند نتایج متفاوت هدایت و جعفری از شخصیت خیام با وجود رهیافت مشترک).

ب-1-1) رویکرد فلسفی

ب-1-1-1) رهیافت فلسفه غرب:

مهم‌ترین ویژگی‌های این رهیافت، مبتنی بر تفکراتی مانند خوشباشی؛ ماتریالیستی، بدبینی، مرگ‌هراسی، شریعت‌ستیزی و ... می‌باشد که در آثار نویسندگان ذیل مشهود است:

ب-1-1-1-1) هدایت

اگر صادق هدایت را بنیان‌گذار خیام‌پژوهی در ایران به حساب نیاوریم (ر.ک؛ فولادوند، 1378: 28-39) به طور قطع یکی از برجسته‌ترین و مؤثرترین پژوهشگرانی است که در مورد

خیام به تحقیق پرداخته است. از منظری می‌توان گفت که خط فکری او دو مسیر جداگانه در رویکردهای خیام‌شناسی به وجود آورد. تأثیرات تفکر او مانند، عرب‌ستیزی، ناسیونالیسم، فلسفه بدینی و پوچ‌گرایی و اپیکوریسم، منجر به برداشت خاصی از فلسفه رباعیات شد که نمود آن را - خواسته یا ناخواسته - در آثار پژوهشگرانی مانند، فرزانه، مینوی، سهولی ... می‌توان دید. از طرفی دیگر گروهی نیز عکس تفکرات هدایت را در رباعیات مدنظر قرار دادند که برجسته‌ترین آنها محیط طباطبائی، کیوان قزوینی، ذکاوتی قراگزلو، فولادوند و ... می‌باشند.

هدایت در سال 1313 *ترانه‌های خیام* را منتشر کرد. مسئله رویکرد و روش حل مسئله به خوبی در مقدمه کتاب دیده می‌شود. علت ایجاد مسئله در ذهن هدایت را افکار گوناگون مطرح شده در رباعیات تشکیل می‌دهد. «اگر یک نفر صد سال عمر کرده باشد و روزی دو مرتبه کیش عوض کرده باشد قادر به گفتن چنین افکاری نخواهد بود». ریشه این مسئله را «ناشناختگی خیام» می‌داند. از این رو اساس کار و «واحد تحلیلی» خود را «روی یک مشت رباعی فلسفی» قرار می‌دهد تا بتواند به این پراکندگی سرو سامان دهد (ر.ک؛ هدایت، 1342: مقدمه).

هدایت در مرحله بعد کار خود، ضمن استناد به مونس‌الاحرار، اساس کار خود را بر 13 رباعی مطرح شده در این اثر قرار می‌دهد و ضمن برداشت از آنها اعلام می‌کند که «ما با فیلسوفی مادی و طبیعی» سر و کار داریم. پس با روش استقرایی رباعیاتی را که حول این محور می‌چرخند، نشان‌دهنده شخصیت خیام و از نوع رباعیات اصیل می‌شمارد و شخصیت خیام را با این ویژگی‌ها معرفی می‌کند: «بدین و ریبی»، «مخالفت با فلسفه دستوری و مذهبی معاصرین»، «شورش روح آریایی»، «ضد اعتقادات سامی» و ... چنان‌که مشخص است به لحاظ روش یگانه و روشی که با استناد به فلسفه موجود در رباعیات خیام استنباط می‌کند، خواننده به وضوح می‌تواند مؤلفه‌های همخوان و مشترک با ویژگی‌های شخصیتی خیام از نظر نویسنده را حدس بزند اما این روشمندی تا پایان کتاب پایدار نمی‌ماند و گزینه‌هایی چند منجر به خلط روش می‌شود. نخستین گزینه، تکیه بر عناصر برون‌متنی جهت پرورش فرضیه و نهادینه کردن آن به صورت نظریه است. «هدایت برای کشف معتقدات فکری و فلسفی خیام بارها به *نوروزنامه* استناد می‌کند. کتابی که صحت انتساب آن به خیام، حتی برای شخص هدایت نیز مورد تردید بوده است» (پارسی‌نژاد، 1380: 282)، حال آنکه جای‌جای کتاب به این مضمون اشاره می‌کند که «برای این که طرز فکر و فلسفه‌گوینده

رباعیات را پیدا کنیم ناگزیریم که افکار و فلسفه او را چنان که از رباعیاتش مستفاد می‌شود بیرون بیاوریم... اگرچه یک مشت آثار علمی، فلسفی و ادبی از خیام به یادگار مانده ولی هیچ کدام از آنها نمی‌تواند ما را در این کاوش راهنمایی کند» (هدایت، 1342: 26).

گزینشی برخورد کردن هدایت در استناد به منابع موجود (دیگر آثار خیام) و تکیه بر نوروزنامه نیز باعث شده است که فرآیند نقد او از ملاک‌های علمی و منصفانه، فاصله گرفته و حالت «نقدی تأثری» و غیر علمی به خود بگیرد. این روند ذوق‌گرایی و تجویز اندیشه‌هدایتی بر خیام هرچه از آغاز کتاب دور می‌شویم، پررنگ‌تر می‌شود و از لحاظ روش‌شناسی، اثر را بیشتر در معرض ایراد قرار می‌دهد. ساده‌گویی و صریح‌نویسی، پرهیز از پراکنده‌گویی و حجیم شدن اثر، هم‌خوانی نسبی اندیشه‌های هدایت با مضامین برخی از رباعی‌ها و ایراد ساده‌مسائل پیچیده فلسفی، همگی دست به دست هم داده‌اند تا این کتاب به عنوان یکی از تأثیرگذارترین پژوهش‌های خیام‌شناسی در میان دیگر آثار خودنمایی کند.

ب- 1-1-2) فردین مهاجر شیروانی

فردین مهاجر شیروانی در خیام و عقاب قلعه الموت، تلاش دارد تا با تکیه بر مضامین فلسفی رباعیات به بررسی تطبیقی اندیشه‌های فلسفی خیام با اندیشمندان و چهره‌های برجسته این گونه تفکرات، مخصوصاً غربی‌ها بپردازد. روساخت تطبیقی مبتنی بر زیرساختهای فلسفی، به کتاب او در میان رویکردهای خیام‌شناسی، جلوه‌ای تازه و پویا بخشیده است. نویسنده در رویکرد تطبیقی - فلسفی خویش بنا را بر اثرپذیری و اثرگذاری نگذاشته است و فقط صرف مضامین مشترک از نظر نویسنده است که منجر به این مقایسه و همگون‌پنداری شده است.

نگاه در زمانی برای معرفی هرچه بهتر شخصیت خیام و توجه به مشترکات شخصیتی و اندیشگانی خیام در شخصیتها و اندیشه‌های گوناگون تاریخی و معاصر در غرب و شرق مانند شوپنهاور، حسن صباح، نیچه و... باعث پویاسازی و بازبینی در شخصیت تاریخی خیام شده است. از طرفی نویسنده با سواد بالای اطلاعاتی و داده‌ای خود در مضامین فلسفی در تطبیق شخصیت - اگرچه گاه با نگاهی جهت‌گرا - تلاش کرده است تا با ذکر سازگاری‌ها و ناسازگاری‌های آنها، از لحاظ نقد، به کار خویش وجهه‌ای علمی‌تر ببخشد و از لحاظ خیام‌شناسی در جهت شفاف‌سازی شخصیت خیام گامی موثر بردارد و همین امر به نقد او جنبه‌ای مقبول‌تر داده است.

روش کار آقای شیروانی بدین گونه است که ابتدا مضمون فلسفی خاصی را وجه مشترک دو شخصیت قرار می‌دهد، در مرحله بعد برای روشن‌سازی شخصیت دوم، جهت آشناسازی ذهن خواننده به ذکر گوشه‌ای از زندگی و اندیشه او می‌پردازد که گاه این پردازش شخصیتی و از شاخه‌ای به شاخه‌ای پریدن موجب گسیختگی مضمونی و در نتیجه گم شدن شخصیت اول (خیام) در ویژگی‌های شخصیت دوم می‌شود. از طرفی حجم بالای اطلاعات استفاده شده راجع به مکاتب فلسفی گوناگون و گاه آسان‌گیری نویسنده جهت تزریق مشابهت‌های فلسفی و اندیشه‌ای خیام در این مکاتب و همچنین حجیم شدن بار اطلاعاتی تشابهات نسبت به تفاوتها باعث شده است تا خواننده به محض خواندن کتاب، ابتدا متوجه مکاتب گوناگون شود، سپس به شخصیت خیام در میان آنها دست یابد. ناگفته نماند که نویسنده در آخر هر فصل تلاش کرده تفاوت‌های نهایی را بررسی کند اما پیش‌زمینه‌های مطرح شده از جمله تأویل‌پذیری مباحث فلسفی در حین تطبیق و قلم روان و گاه مطایبه‌آمیز نویسنده زودتر و مؤثرتر از نتیجه‌گیری نهایی تأثیر خود را بر خواننده می‌گذارد.

ب- 1-1-2) رهیافت فلسفه اسلامی

این رهیافت بر اندیشه‌هایی مانند نفی پوچی‌گرایی، مخالفت با فلسفه ماتریالیستی، تأکید بر تفکرات مذهبی و اسلامی و ... بنیان نهاده شده است.

ب- 1-1-2) محمدتقی جعفری

تناقض موجود میان آثار فلسفی خیام و مضمون رباعیات وی باعث شده که محمدتقی جعفری در کتاب *تحلیل شخصیت خیام* اساس کار خود را بر حل این تناقض بگذارد؛ از این رو کتاب خویش را به دو بخش بررسی مضامین فلسفی و مذهبی مطرح شده در آثار علمی-فلسفی و شرح و تحلیل فلسفی محتوای رباعیات قرار داده است.

این کتاب از نادر آثاری است که پژوهشگر از زیر بار تعارض‌های خیام‌شناسی شانه خالی نکرده و هر دو وجه خیام را مقابل هم قرار داده است و فرضیه‌های گوناگونی برای حل این تعارض ارائه کرده است. به همین دلیل رباعیات را به چهارده موضوع تقسیم کرده و ضمن آشنا کردن خواننده با مبانی اندیشه خیام به نحوی به نقد درونی رباعیات نیز پرداخته است. یعنی اینکه قالب‌بندی رباعیات در موضوعات مختلف باعث شده است تا جایی که میان دو رباعی تناقضی

وجود داشته باشد، این امر به خوبی آشکار شود و یک رباعی، رباعی دیگر را نقد کند. اما مهمترین ایراد این اثر تحلیل در دو حوزه معنایی متفاوت و قیاس‌های نابجاست. نویسنده در این اثر در بسیاری موارد، تحلیل مذهبی و عرفانی را در مقابل نگاه خاص فلسفی خیام قرار داده است. در حقیقت آقای جعفری با در تعارض قرار دادن این دو رهیافت و تقابل آنها با هم، جدال‌های فلسفی و مذهبی قرن خیام را دوباره زنده کرده است. این خلط مبحث و روش و بسامد بالای آن در تحلیل رباعیات منجر به یک‌سونگری در تحقیق شده است. مثلاً در تحلیل این رباعی:

«دوری که در او آمدن و رفتن ما است آن را نه بدایت نه نهایت پیداست
کس می‌نزند دمی در این معنی راست کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست»

آقای جعفری ابتدا ضمن اشاره به مضامین فلسفی این رباعی و رد آن در یک نگاه مذهبی این چنین پاسخ می‌دهند که «مقصود شما از استاد و خبردهنده از آمدن و رفتن مردم و علل آن دو چیست؟ آیا مقصود شما این است که واقعاً انسان یا انسان‌هایی ما را با آهنگ عالی هستی آشنا سازند... آیا به انتظار اساتیدی بالاتر از پیامبران نشسته‌اید که در کمال آگاهی و خرد و صدق و صفا فریاد زده‌اند که ای مردم، امروز فردایی دارد چنان‌که دنبال جنینی، ولادت و رشد و کمال وجود دارد» (همان: 195). آقای جعفری به همین تحلیل اکتفا نکرده و بارها و بارها با استناد به مثنوی عرفانی مولوی، سراینده رباعی‌ها را نقد می‌کند حال آنکه معرفت‌شناسی افراد مورد نظر کاملاً با هم تفاوت دارد و هر کدام از آنها را باید در حوزه خود نقد کرد.

ب-1-2) رهیافت عرفانی

تمایل کم‌رنگ پژوهشگران خیام‌شناس به این رویکرد و بن‌مایه‌های ضعیف مضمونی موجود با این برداشت در رباعیات، این رهیافت را به دست فراموشی سپرده و خودآگاه یا ناخودآگاه چنین نگاهی را پس رانده است. اما نویسندگانی هستند که جهت تیرئه خیام از اتهاماتی که به او نسبت داده می‌شود تلاش می‌کنند تا با نگاهی عرفانی به تحلیل رباعیات پردازند.

ب-1-2-1) عباس کیوان قزوینی

از جمله شرح‌های عرفانی که پژوهشگران خیام‌شناس به صورت کتاب ارائه داده‌اند، شرح رباعیات خیام عباس کیوان قزوینی است. روش کار وی بدین صورت است که ابتدا به ذکر رباعی‌ای از خیام می‌پردازد، سپس مواردی را که به هر نحوی می‌توان نوعی اشاره‌های مذهبی و

عرفانی در آنها مشاهده کرد، به مبانی عرفانی تعبیر می‌کند. همین امر باعث کلی‌نگری و نادیده گرفتن فضای زبانی شده است. این چنین نیست که منکر هر گونه پیش‌زمینه عرفانی در رباعیات باشیم، اما مسلماً بسامد بالای مضمونی و لغوی یک اندیشه در شعر و یا اثر می‌تواند نمودار مکتبی خاص گردد و این بسامد در شعر خیام بسیار ناچیز است. از طرفی دیگر، گاه مطالعه تاریخی یک شاعر و نویسنده، نشان‌دهنده بافت فکری و آیینی اوست. حال آنکه در مورد خیام، نخستین و مهم‌ترین مخالفان او را عرفا و صوفیانی مانند، عطار، نجم‌الدین رازی و قفطی، تشکیل می‌دادند و لذا از نظر تاریخی نیز نمی‌توان او را یک عارف نامید. از طرفی نویسنده در تفسیر عرفانی ابیات، آن‌قدر به تحلیل مضامین عرفانی می‌پردازد که گاه خود شعر یا بیت در خلال این تفسیر گم می‌شود. این گستره آن‌قدر وسعت پیدا می‌کند که می‌توان از این کتاب به عرفان‌نامه تعبیر کرد. مثلاً در تعبیر «فراش اجل» در این بیت: فراش اجل ز بهر دیگر منزل/ ویران کند این خیمه چو سلطان برخاست...

بیان می‌کند که «آن قوه مصوره است که در صلب پدر بنا به قولی یا در رحم مادر بنا به قولی، یا در هر دو که متمم یکدیگرند صورت بندی نطفه را می‌کند تا قابل تعلق جان شود... و نیز عالم کبیر، قوه مصوره‌ای در تحت اسم الباری المصور نسبت به ماده المواد دارد که صورت بندی انواع را می‌نماید...» (کیوان قزوینی، 1379:33). وی سطرهای متعددی را بعد از این، در جهت تحلیل این مضمون به کار می‌برد و در طی این گونه تفسیر به کلی شعر خیام فراموش می‌شود. از آنجا که این اثر نوعی جبهه‌گیری در مقابل پژوهشگرانی است که بنا را بر آن گذاشته‌اند تا از خیام، ساقی محافل عیش و نوش خود را بسازند، می‌توان نیت و زمینه فکری نویسنده را ستایش کرد اما افراط و تعصب عرفانی سبب شده تا نقد وی جنبه‌ای انتزاعی به خود بگیرد.

ب-1-3) رویکرد ادبی

منظور از رویکرد ادبی، نگاهی است که زیبایی‌شناسی متن (بدیع، بیان و معانی) و همچنین شرح لفظی و معنایی کلمات را دربرمی‌گیرد. از مزایای این رویکرد این است که پژوهشگر ضمن بررسی روابط زیباشناسانه ابیات و بررسی زبانی آنها می‌تواند در یک نگاه درون‌متنی، دو رباعی گوناگون را با این منظر بسنجد و میزان صحت و سقم انتساب آنها را تا حدی مشخص کند. البته

ذکر این نکته ضروری است که صرف نگاه زیباشناسانه و عدم تحلیل محتوایی، انبوهی از رباعیات انتسابی را وارد اشعار خیام خواهد کرد.

ب-1-3-1) اصغر برزی و حسن دانشفر

اصغر برزی در *خیام‌نامه* و حسن دانشفر در کتاب دربارهٔ رباعیات عمر خیام تلاش کرده‌اند تا با رویکرد ادبی به تفسیر رباعیات خیام بپردازند. این آثار تا آنجا که مربوط به شرح و توضیح است و جنبهٔ زیباشناسی را بررسی می‌کنند، می‌توانند اثری در خور توجه باشند اما از لحاظ رویکردهای خیام‌شناسی و مشکل‌هایی که در زمینهٔ خیام وجود دارد، آثار چندان قابل توجهی محسوب نمی‌شوند و مسئله‌ای را حل نکرده‌اند.

چنان‌که مشاهده شد سه رویکرد فلسفی، عرفانی و ادبی، اساس نگاه پژوهشگران در تحلیل ظاهری و محتوایی رباعیات قرار گرفته است. رویکردهای عرفانی و ادبی هر کدام بنا به ملاحظات و مؤلفه‌های ویژهٔ خود در مواجهه با رباعیات به نوعی بن‌بست تحقیقاتی و سرانجام با تکرار مواجه شدند. اما باید اذعان کرد که رویکرد فلسفی چه فلسفه اسلامی و چه غربی یکی از پویاترین بحث‌ها چه در گذشته و چه در حال بوده است و لذا با گسترش مکاتب فلسفی با شخصیتی جدید از خیام آشنا می‌شویم و همین عامل باعث پراکندگی شخصیت او از منظر فلسفی شده است و لذا هر گونه داوروی ثابت و یکرویه از رباعیات خیام کاملاً فاصله گرفته است.

ب-2) رویکرد گزینش رباعیات

با ترجمهٔ آزاد فیتز جرالده از رباعیات خیام و شهرت آن در غرب و شرق، خیام عالم و ریاضی‌دان به خیام شاعر تغییر هویت داد که فلسفهٔ جدیدی را به نمایش گذاشت. با این انتشار پژوهشگران ایران در صدد آمدند تا برای تأیید و رد گفته‌های فیتز جرالده، و به «گزینش رباعیات اصیل» بپردازند. با نگاهی به این آثار نوشته شده در رهیافت گزینش رباعیات، روش آنها را می‌توان این چنین بیان کرد: 1- اساس قرار دادن یک یا چند نسخه بر مبنای قدمت و نزدیکی آن به عصر خیام. مهم‌ترین نسخه‌هایی را که این پژوهشگران به آنها استناد کرده‌اند عبارت‌اند از: *مرصاد العباد، تاریخ جهانگشا، مونس الاحرار، نزهة المجالس* 2- تعیین رباعیات کلید بر اساس نسخه‌های مذکور 3- یافتن ویژگی‌های مضمونی و سبک کلامی رباعیات کلید بر مبنای نگاه‌های خاص نویسنده 4- قیاس و استقرای این ویژگی‌ها جهت یافتن رباعیات مشابه در نسخه‌های دیگر.

ب-2-1) صادق هدایت

صادق هدایت در *ترانه‌های خیام* (1313) اصل کار خویش را بر رباعیات سیزده‌گانه *مونس‌الاحرار* و دو رباعی مطرح شده در *مرصادالعباد* (که یکی از آنها در *مونس‌الاحرار* ذکر شده است) و *تاریخ جهانگشا* قرار می‌دهد. سپس بر اساس مضامین فلسفی موجود در این رباعیات، 143 رباعی را به خیام انتساب می‌دهد که البته خود نیز در تعداد این رباعیات شک می‌کند. از لحاظ نقد بیرونی (نسخه‌شناسی) این اثر باید گفت که بعد از هدایت با تلاش پژوهشگران خیام‌شناس، نسخه‌هایی ثبت و ضبط شد که تقریباً همگی بر صحت آنها هم‌اندیشه‌اند. یکی از این منابع *نزهة‌المجالس* است که حاوی 33 رباعی از ترانه‌های منسوب به خیام است و پژوهشگران بعدی به این منبع استناد کرده‌اند و همین امر از میزان دقت این اثر کاسته است. از طرفی دیگر هدایت در ذکر رباعی‌های استنباطی خویش، اصل تبارشناسی منابع را پنهان می‌کند؛ لذا ضمن گزینشی برخورد کردن با رباعیات و پرهیز از ذکر منابع، نوعی دیکته اطلاعاتی را در خواننده به وجود می‌آورد و مخاطب با انبوهی از رباعیات مواجه می‌شود که به ظاهر حاوی فلسفه خاصی هستند و حجم این فلسفه استنباطی، اساس نسخه‌شناسی را از بین برده است. این اثر هم به لحاظ زمانی به عنوان یکی از نخستین آثار تحقیقی در مورد خیام و هم‌چنین نگاهی تازه و متفاوت از سنت مرسوم (رویکرد متن‌محور) در زمینه خیام‌شناسی نقش بسزایی را بر عهده داشته - تا جایی که هنوز بن‌مایه‌هایی از تفکرات هدایت در آثار پژوهشگران جدید دیده می‌شود.

ب-2-2) محمدعلی فروغی و قاسم غنی

رباعیات حکیم خیام *نیشابوری* (1320) به کوشش آقایان فروغی و غنی یکی از پرطرفدارتری مجموعه‌هایی است که ناشران در شمارگان بالا، تجدید چاپ می‌کنند. نویسندگان در این مجموعه اساس کار خود را بر منابع و نسخه‌های زیر گذاشته‌اند:

- *مرصادالعباد*، *تاریخ جهانگشای جوینی*، *تاریخ گزیده*، *نزهة‌المجالس*، *مونس‌الاحرار*، *جنگ اشعار کتابخانه مجلس شورای ملی مورخ 750* و مجموعه‌ای تذکره‌مانند در کتابخانه مجلس شورای ملی.

از مجموع این نسخه‌ها، 66 رباعی را به نام خیام ثبت کرده‌اند، سپس با بررسی‌های مضمونی و سبک‌شناختی و پیاده کردن این ویژگیها بر منابع سده نهم و دهم، مجموع رباعیات این مجموعه را به 178 رباعی می‌رسانند. در این مجموعه، گردآورندگان تلاش کرده‌اند تا با پرهیز از پرداختن به فلسفه‌های گوناگون و مکتب‌سازی‌های بی‌مورد، نقشی ساده از خیام را به تصویر بکشند؛ لذا ضمن اشاره کلی به مبانی علمی و فلسفی خیام، از هرگونه زیاده‌روی در آنها خودداری کرده‌اند و همین امر باعث شده تا بیشتر خوانندگان - نه گروه تفکری خاصی - با پذیرش این کلیات، از این مجموعه استقبال کنند. از جمله ایراداتی که می‌توان متوجه این اثر دانست، نبود تناسب معنایی و لفظی برخی رباعیات با ویژگی‌هایی است که در مقدمه کتاب به آن اشاره شده از جمله این مورد که «مضامین رباعیات همه نتیجه طبع حکیم متفکر متجسس است. حل معمای جهان را می‌جوید، حکمت کار خلقت و سرنوشت انسان را می‌خواهد...» (فروغی، 1321: 59). حال آنکه رباعیاتی مانند شماره 131، 141 و ... با این مضامین منافات دارد:

«رندی دیدم نشسته بر خنگ زمین نه کفر، نه اسلام و نه دنیا و نه دین
نه حق نه حقیقت نه شریعت نه یقین اندر دو جهان کرا بود زهره این»

گذشته از فقدان مضمون حکمی در این بیت، واژه رند نیز در این بیت کمی غیر معمول از رباعیات خیام به نظر می‌رسد. با این احوالات اگرچه این مجموعه آن چنان در مسائل خیام-شناسی دقیق نشده است اما از مجموعه‌هایی است که هنوز در تحقیقات بدان استناد می‌شود و بدین لحاظ در نوع خود اثری برجسته شمرده می‌شود.

ب-2-3) علی دشتی

دمی با خیام (1344) اثری است که نویسنده آن تلاش می‌کند تا در آن، جریان خیام‌شناسی را بهبود ببخشد. علی دشتی تلاش می‌کند تا این بار خیام را نه از روی رباعیات، که در یک نگاه تلفیقی نخست از لابه‌لای روایات و آراء هم‌عصران وی، نوشته‌ها و گفته‌های مسلم خود او بیرون کشد. سپس با پیاده کردن این ویژگی‌ها بر نسخه‌های موجود، رباعیات اصیل و خیام‌وار را از هم جدا کند. روش‌شناسی دشتی را می‌توان تلفیقی از سه رویکرد تاریخی، نسخه‌شناسی (نقد بیرونی) و مشخصات سبکی و کلامی رباعیات (نقد درونی) با تکیه بر ذوق شخصی دانست.

نویسنده به لحاظ نسخه‌شناسی، منابع خود را از لحاظ وثوق به دو دسته تقسیم می‌کند: 1- التنبیه، مرصادالعباد، جهانگشا، تاریخ‌گزیده و مونس‌الاحرار و مجموع رباعیات را به 16 رسانده. 2- نزهة‌المجالس، سندبادنامه و دو جنگ خطی کتابخانه مجلس که 20 رباعی از میان آنها بیرون کشیده و مجموع رباعیات کلید را به 36 رسانده است.

عاملی که در زمینه نسخه‌شناسی، اثر دشتی را نسبت به دو کار پیشین آن (هدایت و فروغی) در برتری قرار می‌دهد، این است که او مانند هدایت با مشکل عدم دسترسی به نسخه‌های جدید، سر و کار ندارد و از طرفی میزان دقت او باعث شده است تا با آسان‌گیری مانند فروغی تمام رباعی‌های نسخه‌هایی مانند نزهة‌المجالس و در جنگ کتابخانه مجلس را جزء رباعیات اصیل خیام قرار ندهد و حداقل در زمینه رباعیات کلید، وسواس خاصی به خرج دهد. دشتی در بخش‌های بعد سعی دارد تا بر اساس ویژگی‌های برگرفته از این رباعیات و با تکیه بر ذوق به بررسی «رباعیات مشابه و رباعیات اصیل و «خیام‌وار» پردازد.

صرف نظر از تناقضات جزئی و بسیار ناچیزی که گاه میان بعضی از رباعیات مطرح شده و ویژگی‌های مورد نظر دشتی وجود دارد (ر.ک؛ دشتی، 1381: 188) باید اذعان کرد که او تلاش کرده رباعیات را با طرح ذهنی خویش مطابقت بدهد و انصافاً به خوبی از عهده این کار برآمده است و می‌توان در این‌گزینه‌ش که بر اساس ذوق شخصی قرار گرفته، ذوق او را ذوقی مستند نامید که از جاده تعریف‌شده خود انحراف نداشته است.

ب-2-4) علیرضا ذکاوتی

عمر خیام (1377) اثری است که علیرضا ذکاوتی تلاش دارد تا در آن با رویکردی «فلسفی - کلامی» و «نسخه‌شناسی» به بازخوانی نوینی از رباعیات اصیل و گزینش آنها پردازد، لذا کتاب وی را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به دو بخش تفکیک کرد: نخست بررسی مضامین رایج فلسفی و کلامی در دوره پیش و پس از خیام در آثار فلسفی، کلامی و عرفانی شخصیت‌هایی مانند فارابی، ابن‌رشد، ابن‌جوزی و... تطابق و یافتن این اندیشه‌ها در رباعیات. دوم جستجوی رباعیات کلید بر اساس نقد خارجی (نسخه‌شناسی) و نقد داخلی (بررسی محتوایی و سبک کلام رباعیات)

تبیین اندیشه‌های فلسفی و کلامی خیام مهم‌ترین مزیت این کتاب است که نویسنده با دقت هرچه تمام‌تر به آن پرداخته است. «رباعیات خیام میان فلسفه و کلام» عنوان بخشی است که آقای ذکاوتی این بار اندیشه‌های فلسفی و کلامی موجود در رباعیات را بررسی می‌کند. پیش‌زمینه و تعریف ذهنی که نویسنده از شخصیت حکیم و فلسفی خیام در ذهن دارد باعث شده تا هر جا که در رباعیات اندیشه‌ای متناقض با ملازمات حکمی و فلسفی خیام وجود دارد، آن را به نحوی تعبیر از جدال و مناقشه میان خیام و بعضی جزم‌اندیشان عصر بدانند.

اگرچه نویسنده توانسته است تا طی یک نقد درونی و مضمونی در این بخش بسیاری از مشکلات اندیشه‌ای رایج در رباعیات را حل و فصل کند، اما چیزی که باعث می‌شود تا خواننده از هم‌فکری با نویسنده بپرهیزد و تا حدی از این تفسیر دوری گزیند، بحث اصالت رباعیات مورد تحلیل است. آقای ذکاوتی در تحلیل، بنای خود را بیشتر بر رباعیاتی گذاشته که در *طریخانه* ذکر شده و خود او نیز تا حدی به این نسخه اعتماد ندارد، ولی باز از این ایراد چشم‌پوشی نکرده و همین عامل باعث شده تا از اصالت نقد او کاسته شود.

در بخش نسخه‌شناسی و گزینش رباعیات، یکی از مزیت‌های کار نویسنده در دسترس داشتن بسیاری از نسخه‌های مطرح است. وی ضمن بررسی نسخه‌های، فروغی، هدایت و دشتی آنها را وافی به مقصود نمی‌داند و این چینی بیان می‌کند که «به گمان من روش دقیق‌تر و نزدیک به احتیاط آن است که هیچ یک از رباعیات منابع قرن هشتم و بعد از آن را بدون دو سند معتبر نپذیریم» (ذکاوتی، 1379: 157) و به همین دلیل، بسیاری از رباعیات مطرح شده در *دیوان فروغی* را به شاعران دیگر منسوب می‌کند. نویسنده هم چنین منابع قرن نهم را با شرط هم‌خوانی سبک‌شناختی و اینکه در سه مأخذ روایت شده باشند مورد اطمینان می‌داند، حال آنکه در بیش از یک سوم رباعیات برگزیده ایشان فقط یک سند مبنای کار قرار گرفته (ر.ک؛ میرافضلی، 1381: 38). با این تعاریف در نهایت 154 رباعی را با ذکر نسخه‌ها به خیام منسوب می‌داند. در نهایت باید گفت که کار آقای ذکاوتی تا آنجا که مربوط به مباحث کلامی و فلسفی است کاری تحقیقی و مورد قبول است اما اثر ایشان در گزینش رباعیات اثری ناموفق و دور از انسجام و روشمندی است.

محمد مهدی فولادوند در «خیام‌شناسی» (1379) با رویکردی تاریخی و نسخه‌شناسی قصد دارد تا به پالایش و تغییر هنجار در رویه مطالعات خیام‌شناسی و پیرو آن گزینش رباعیات بپردازد. وی ابتدا با مطالعه منابع نزدیک به قرن خیام به ویژگی‌های شخصیتی خیام دست پیدا می‌کند و با دقت و وسواس فراوان تعداد رباعیات اصیل که اعتماد بیشتری به آنهاست را به 10 می‌رساند: 3 رباعی که در اصالت آنها شکی نیست و 7 رباعی که اندیشه‌های یک منجم در آنها گرد آمده است. پس دلیل خود را این‌گونه بیان می‌کند «به هیچ وجه معقول نمی‌دانیم که برای یافتن رباعیات عمر خیام، بیشتر از یک قرن یا حداکثر صد و پنجاه سال از وفات گوینده اصلی آنها دور شویم» (فولادوند، 1379: 63). و در نتیجه نسخه‌هایی مانند تاریخ‌گزیده، نزه‌المجالس، مونس‌الاحرار و سفینه مجلس شورای اسلامی (750) را فاقد سندیت و حجیت قطعی می‌داند، اما رباعی شماره 100 از این مجموعه که جز 7 رباعی نجومی یا به قول خود نویسنده «هفت خوشه پروین» قرار دارد و جزء رباعیات کلید محسوب می‌شود متعلق به سفینه مجلس (750) است و همین امر نوعی تناقض با گفته‌های ایشان را نشان می‌دهد. نویسنده پس از تحلیل سه رباعی اصیل خیام و هفت رباعی نجومی به خصایصی پنج‌گانه از رباعیات خیامی (رباعیاتی که می‌تواند از آن خیام باشد) دست پیدا می‌کند که عبارت‌اند از:

1- اربعه‌الارکان بودن (چهار رکن مستقل عقلانی یا فکری) 2- شکل کم و بیش منطقی یا شبه استدلالی 3- غلبه معنی بر لفظ 4- ناظر بودن رباعی به درام آفرینش یا فاجعه زندگی انسان یا لاقابل متضمن یکی از این مفاهیم: پرسش، شک، اعتراض، عصیان، تحدی، استهزا (ادبیانه). 5- اغتمام دم و وحشت و اندوه مرگ (همان: 73-75).

سؤالی که اینجا پیش می‌آید این است که آیا تنها پرداختن به تحلیل ده رباعی - که 7 رباعی آن هم بنا به گفته خود نویسنده در اصالت آنها هنوز شک وجود دارد- به عنوان ماده خام و هم-پوشی و قیاس این ویژگی‌ها بر حجم فراوانی از رباعیات که گاه تعداد آنها به 1200 نیز می‌رسد روشی هدفمند و مؤثر خواهد بود یا به نحوی نماینده تمایلات فکری نویسنده است؟

آقای فولادوند چنان بر ویژگی‌های خود پافشاری می‌کند که تنها راه مردود دانستن یک رباعی را که ویژگی‌های یادشده در آن وجود داشته باشد، پیدا شدن نسخه موثق و «دندان شکن» جدیدی می‌داند. اما همه این ویژگی‌ها، خیام منجم و حکیم را به تصویر می‌کشد، لذا آن‌جا که

پای «خیام شاعر» به میان می‌آید و پای احساسات وسط کشیده می‌شود، مثلاً در این رباعی «این کوزه چو من عاشق زاری بوده است» آن را «توصیفی» عنوان می‌کند و از لحاظ سوز و گداز آن را به دوره مغول منسوب می‌کند اما با وجود این در میان رباعیات خیامی جای داده شده است (ر.ک؛ همان: 88-89). احتیاط و به نوعی محافظه کارانه عمل کردن نویسنده در این کتاب از یک جهت، منجر به برانگیختن دقت بیشتر پژوهشگران بر رویکرد گزینش رباعیات می‌گردد، و از طرفی دیگر باعث شده تا در زمینه نسخه‌شناسی تنها راه خروج از این سردرگمی یافتن نسخه‌های جدید باشد. وی در پایان کتاب 155 رباعی خیامی و 95 رباعی (بنا به گفته خودشان اما 93 رباعی بیشتر ذکر نشده) متعلق به مکتب خیام و مقلدین او (متفرقه و مشکوک) گردآوری و آنها را به فرانسوی ترجمه کرده‌اند.

ب-2-6) محسن فرزانه

محسن فرزانه در خیام‌شناخت (1353) اصل کار خود را بر پژوهش و استکشاف رباعی-های اصیل می‌نهد. اگر چه نویسنده در این کتاب از روشی تلفیقی به گردآوری رباعیات اصیل پرداخته؛ اما اساس کار وی بر نسخه‌شناسی بنا نهاده شده است. برای نخستین بار ژوکوفسکی بود که فرضیه «رباعیات سرگردان» را مطرح کرد. یعنی اینکه رباعیاتی را که در منابع گوناگون به نام کس دیگری آمده است، باید از جریان رباعیات اصیل دور گردد. آقای فرزانه نیز در این اثر بیشترین توجه خود را بر همین اصل نهاده‌اند. زیرا معتقدند که آنچه در کارهای دیگران به چشم می‌خورد از دیگران بوده و به خطا به مجموعه خیام راه یافته است. از اشکالات این روش این است که ممکن است گاه رباعی‌ای از خیام به دیوان‌های دیگر راه یافته باشد و آقای فرزانه هیچ جواب و دلیلی بر این ادعا نیاورده‌اند. لذا از این نظر بر کار ایشان ایراداتی وارد می‌گردد.

یکی از مزیت‌های این کتاب، معرفی نسخه‌های جدید است که حاکی از مطالعات نویسنده در این زمینه می‌باشد. وی به معرفی نسخه‌هایی از قبیل *روضه‌الکتاب* بوبکر زکی (677)، *تاریخ‌نامه هرات* سیفی هروی (681) *اخلاق‌الاشراف* عبید زاکانی (772) پرداخته، معتقد است در آنها رباعیاتی از خیام آمده است. افراط بیش از حد نویسنده بر امر نسخه‌شناسی و گردآوری رباعیات

سرگردان، باعث شده که از ویژگی‌های سبک‌شناختی رباعیات در برخی موارد پرهیز کند و گاه نیز در معرفی یک نسخه و رباعی موجود در آن به نوعی آراء متناقض نیز روی بیاورد مثلاً رباعی:

«آمد سحر این ندا ز میخانه ما کای رند خراباتسی دیوانه ما
برخیز که پر کنیم پیمانہ ز می زان پیش که پر کنند پیمانہ ما»

این رباعی را به دلیل اینکه در دیوان سلمان ساوجی آمده و به آثار منسوب به خیام بعد از قرن 9 اعتمادی نیست و همچنین به لحاظ سبک‌شناختی از خیام نمی‌داند. حال آنکه رباعی:
«صانع به جهان کهنه همچون ظرفیست آبی است به معنی و به ظاهر برفیست...»
را در *دبستان‌المذاهب* که مربوط به قرن یازدهم است به نام خیام می‌داند.

این اثر تا آنجا که مربوط به معرفی و شناسایی نسخه‌های جدید است بسیار پسندیده و اندیشمندانه می‌باشد و نگاه‌های جدیدی را فرا روی محققان باز می‌کند، اما به دلیل افراط بیش از حد در پذیرش روش رباعیات سرگردان با تکیه بر نسخه‌شناسی، در بسیاری از موارد با مشکل برخورد کرده و ناچار شده رباعیات را ذوقی به نام خیام بدانند. ایشان سرانجام در حدود 70 رباعی را به نام خیام گرد آورده‌اند.

چنان‌که مشاهده شد پژوهشگران با رویکردهای گوناگونی به شناسایی رباعیات خیام پرداختند: عده‌ای مانند هدایت بنا را بر رویکرد متن‌محور با رهیافت فلسفی غرب قرار دادند؛ فروغی بنای کار خود را بر نسخه‌شناسی و سبک‌شناختی نهاد؛ دشتی تلاش داشت تا با نگاهی به معاصران خیام و نسخه‌شناسی به رباعیات اصیل دست پیدا کند؛ قراگوزلو تمام تلاش خود را صرف مضامین فلسفی و کلامی آثار خیام کرد تا بتواند با شیوه‌ای تلفیقی (نقد درونی و بیرونی) به گزینش نهایی دست پیدا کند؛ دقت و وسواس فولادوند بر نسخه‌شناسی و سبک‌شناختی رباعیات باعث شد که مقدار رباعیات اصیل به تعداد انگشتان دست برسد؛ و فرزانه نیز تلاش داشت تا با مطرح کردن رباعیات سرگردان و نسخه‌شناسی به رباعیات پاک برسد.

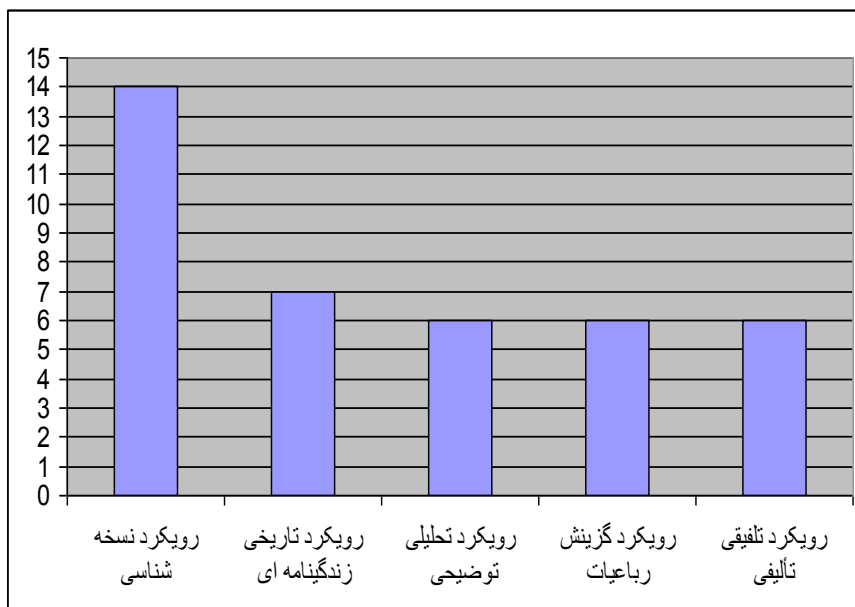
اساس تمام این گزینش‌ها بر نسخه‌شناسی بنیاد نهاده شده است؛ اما هر کدام به دلایلی برخی نسخه‌ها و رباعیات مطرح شده در آنها را مجعول و انتسابی دانستند، لذا همچنان تعداد رباعیات اصیل در نوسانی قابل ملاحظه قرار دارد و ناگزیر باید اعلام کرد که با این شرایط - اگر چه به رباعیات مشترکی دست پیدا کرده‌اند- رسیدن به رباعیات پاک، خیال محالی بیش نیست.

(ج) رویکرد تلفیقی - تألیفی (گردآوری)

در دهه اخیر از لحاظ روش‌شناسی در کتاب‌های نوشته‌شده در مورد خیام تغییراتی رخ داده است؛ مهم‌ترین این دگرگونی‌ها، توجه به رویکردهای تلفیقی - تألیفی (گردآوری) است. در این رویکرد هدف اصلی نویسنده شناساندن جنبه‌های گوناگون خیام یعنی تلفیقی از زندگی، اجتماع، شعر، آثار دیگر خیام و در موارد دیگر ذکر گفته‌های دیگران است.

تعارض اندیشه‌های پژوهشگران و آشفتگی دلالت‌های خیام‌شناسی و انجام‌یافتگی رویکردهای محققان گذشته و عدم توجه پژوهشگران جدید نسبت به مبادی نقد نو مهم‌ترین عواملی هستند که زمینه چنین رویکردی را فراهم آورده‌اند. از آنجا که این آثار به نحوی تکرار و نقل قول گفته‌های پژوهشگران برجسته خیام‌شناس است از ذکر و نقد آنها خودداری می‌کنیم. کار پژوهشگرانی مانند امین رضوی (صهبای خرد)، علیرضا یکانی (نادره ایام حکیم عمر خیام)، مسعود خیام (ترانه‌های خیام)، فتح‌الله همایونفر (سیمای خیام)، محمدرضا قنبری (خیام‌نامه) و محمداقبر نجف‌زاده را در ترانه‌های خیام می‌توان در این رویکرد قرار داد. در مورد این رویکرد ذکر این نکته ضروریست که گردآوری اندیشه‌های پژوهشگران برجسته در چارچوب پژوهشی منسجم، ضمن افزایش نقدپذیری اندیشه‌های گوناگون و پیش‌زمینه‌سازی برای رویکردهای جدید، شناخت کلی از خیام و رویکردهای گوناگون به دست می‌دهد و مجموعه منسجمی از آراء پراکنده را در ذهن نهادینه می‌کند. همین تقابل نقدها، قدرت تحلیل خواننده را افزایش می‌دهد و زمینه‌ساز نوعی «نقد نقد» خواهد شد که خود به خود باب رویکردهای جدیدی را در خیام‌شناسی به وجود خواهد آورد. در یک نگاه کلی می‌توان میزان اقبال پژوهشگران را به هر رویکرد (بر اساس تعداد محققان) در نمودار ذیل نشان داد:

نمودار: میزان اقبال پژوهشگران به رویکردهای گوناگون



نتیجه

نخستین و بنیادی‌ترین رویکرد در زمینه خیام‌شناسی، نسخه‌شناسی است که رگه‌هایی از آن، خواسته یا ناخواسته در جریان تاریخی رویکردها تا آخرین تحقیقات ادامه داشته است. این تداوم از یک نظر حاکی از اهمیت ویژه و ذاتی نسخه‌شناسی در پژوهش‌های خیام‌شناسی است و از طرفی ناظر به عدم قطعیت اندیشه‌های پژوهشگران در تایید نسخه‌ای خاص است. در رویکرد تاریخی - زندگینامه‌ای که به نحوی زاینده و بایسته پژوهش‌های نسخه‌شناسی بود، دوره و زندگی شخصی خیام مورد بررسی قرار گرفت، پژوهشگران در شناخت دوره به نگرش‌های کلی و موافق در این زمینه دست یافتند و بر مبنای آن و نگاه ساختاری به رباعیات و دوره، در انتساب رباعیاتی چند به خیام به توافق و اشتراک رسیدند. اما شناخت زندگی شخصی و اندیشگی خیام تا حدودی در پرده‌ای از ابهام ماند و آنجا که بحث روابط رباعیات و زندگی خیام به میان آمد به نوعی تفسیر به رای و دیگرگونی اندیشه‌ها مبتلا شدند، در نتیجه عده‌ای به درونی کردن تاریخ و در نتیجه داستان‌پردازی روی آوردند و رهیافت تاریخی جهتی واقع‌گرایانه به خود گرفت و گمانه‌های موجود در مورد زندگی خیام به قلمروی داستان راه یافتند.

در رویکرد متن‌محور و رهیافت‌های گوناگون آن مانند فلسفی، عرفانی و ادبی، تلاش دیگر محققان در حل مسائل خیام‌شناسی است که در حدود مرز خود به نتایجی روشمند و هدف‌گرا منجر شد، و نگاه‌های خاص، برداشت‌های ناهمگرا و ناسازگاری را به وجود آورد. یکی از عمده مسائل رویکردهای تحلیلی (درون‌متنی) پیش‌زمینه‌های فلسفی خیام و پیرو آن نگاه فلسفی پژوهشگر بود. اگرچه همه با رویکرد فلسفی به تحلیلی متن پرداختند اما انعطاف‌پذیری بحث، منجر به دیگرفهمی از متن شد. پژوهشگرانی با زمینه فلسفه اسلامی، خیام را ملحد خواندند و عده‌ای با عرفان‌نگری به توجیه عرفانی مضامین رباعیات پرداختند و گروهی نیز با تکیه بر بنیادهای فلسفه غرب نگاه‌های جدیدی پیش روی محققان باز کردند که به گسترش و افراط در زمینه مکتب خیامی انجامید.

رویکرد	پژوهشگران	مزایا	معایب
نسخه‌شناسی	فروزانفر، نفیسی، قزوینی، بنوی، فرزانه، فروغی و غنی، رلادوند، یکانی، اقبال‌آشتیانی، لدایت، دشتی، میرافضلی، خزازاده ملک، شفیع کدکنی	1- تلاش برای دستیابی به منابع ست اول و بالا بردن صحت روایات و سناد و جلوگیری از تناقضات بیشتر - تحکیم اصالت دیگر رویکردها به نوان رویکرد پایه	1- اختلافات فاحش مداد رباعیات در منابع مختلف 2- نگرش ايجاد تناقض 3- نگرش محققان به به منابع و در یجه خوانش‌های متفاوت از تابع 3- تحریرهای مختلف از ک رباعی در منابع گوناگون
تاریخی- زندگی‌نامه‌ای	شهوولی، طباطبایی، شه‌وری، بنفشه حجازی	تطبيق شرایط تاریخی با مضامین باعیات و دست یافتن به سبک تاریخی دوره‌ای رباعیات	1- تناقض‌های موجود در تابع تاریخی مربوط به خیام و نتیجه پراکندگی آراء و لمرات محققان 2- گزینش رباعی رباعیات و حصرگرایی ووش‌شناختی و در نتیجه غافل نندن از بعد زیبایی‌شناختی باعیات
داستانی	بادکوبه‌ای‌هزاوه‌ای، گرایلی، عیدی	پردازش و تطبيق هرچه بهتر بافت رباعی رباعیات و مضامین آنها و در یجه نهادینه کردن شخصیت و شعر خیام در ذهن خواننده	گذر از تاریخ به سمت خیال‌پردازی جهت حل باقضات موجود در شخصیت و شعر خیام و به وجود آمدن بیامی انتزاعی و افسانه‌ای
رویکرد تحلیلی توضیحی	هدایت، مهاجرشیروانی، معفری	1- تبیین وجهه فلسفی خیام و مضامین فلسفی موجود در رباعیات 2- ریاسازی شخصیت و شعر خیام با تکیه مباحث فلسفی	تزیق اندیشه‌ها و مکاتب فلسفی گوناگون به شخصیت و شعر خیام و به تبع آن پراکندگی هرچه بیشتر وجوه بیام
عرفانی	کیوان قزوینی	تبرئه و پاک‌سازی شخصیت خیام اتهامات ملحدانه نسبت به او	1- کلی‌نگری و غافل نندن از فضای زبانی رباعیات - افراط و تعصب عرفانی و وز نوعی نقد تأثری
ادبی	برزی، دانشفر	تبیین روابط زیبایی‌شناختی باعیات و دستیابی به سبک شخصی بیام از لحاظ زبانی و ادبی	عدم توجه به بعد معنایی و لا رفتن تعداد رباعیات انتسابی خیام

<p>1- گزینش رباعیات با کیه بر ذوق شخصی و تطبیق آن با طرح ذهنی پژوهشگر، - نداشتن معیاری مشخص و نتیجه خلط روش شناختی</p>	<p>1- تعیین رباعیات کلید و دستیابی رباعیات مشترک 2- تکیه بر نقد رونی (تاریخی و نسخه‌شناسی) و نقد رونی (مشخصات سبکی رباعیات) و - نداشتن معیاری مشخص و نتیجه خلط روش شناختی</p>	<p>هدایت، فروغی و غنی، دشتی، ذکاوتی قراقرلو، فولادوند، فرزانه</p>	<p>گزینش رباعیات</p>
<p>تکرار و انجماد یافتگی و در نتیجه افزایش نقدپذیری اندیجیاتیق و عدم ارائه راهکاری های مختلف 2- تاکید بر مطالعه جدید جهت یافتن رباعیات چندمنظری و جلوگیری از تقلیل گرا میل 3- انسجام آراء پراکنده و بالا بره قدرت تحلیل خواننده، 4- زمینه ساز نقد و پیدایش رویکردهای جدید</p>	<p>گردآوری رویکردهای گوناگون و در نتیجه افزایش نقدپذیری اندیجیاتیق و عدم ارائه راهکاری های مختلف 2- تاکید بر مطالعه جدید جهت یافتن رباعیات چندمنظری و جلوگیری از تقلیل گرا میل 3- انسجام آراء پراکنده و بالا بره قدرت تحلیل خواننده، 4- زمینه ساز نقد و پیدایش رویکردهای جدید</p>	<p>امین رضوی، یکانی، خیام، همایونفر، قنبری، نجف‌زاده بارفروش</p>	<p>تلفیقی تألیفی</p>

جدول: رویکردها، پژوهشگران، مزایا و معایب

منابع

- از کیا، مصطفی، آستانه دربان، علیرضا. (1382)، روش‌های کاربردی تحقیق، تهران، انتشارات کیهان.
- اسکولز، رابرت. (1377)، عناصر داستان، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، انتشارات سخن.
- امین رضوی، مهدی. (1385)، صهبای خرد، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران، انتشارات سخن.
- بادکوبه‌ای هزاوه‌ای، مصطفی. (1369)، زندگی خیام، تهران، شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران.
- برزی، اصغر. (1376)، خیام‌نامه (شرح رباعیات خیام)، بناب، انتشارات اعظم.
- پارسی‌نژاد، ایرج. (1380)، روشنگران ایرانی و نقد ادبی، تهران، انتشارات سخن.
- جعفری، محمد تقی. (1365)، تحلیل شخصیت خیام، تهران، انتشارات کیهان.
- حجازی، بنفشه. (1381)، دایره حیرت (نگینامه علمی و ادبی حکیم عمر خیام)، تهران، دانش فریار.

- خیام، مسعود. (1375)، *خیام و ترانه‌ها*، تهران، نشر نخستین.
- دانشفر، حسن. (1354)، *درباره رباعیات خیام*، تهران، انتشارات اسکندری.
- دشتی، علی. (1381)، *دمی با خیام*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ذکاوئی قراگزلو، علیرضا. (1379)، *عمر خیام*، تهران، انتشارات طرح نو.
- سعیدی، بتول. (1383)، *نابغه نیشابور*، تهران، شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران.
- شه‌وری، احمد. (1384)، *جهان‌بینی حکیم عمر خیام نیشابوری*، تهران، نشر همراه.
- شه‌ولی، عبدالرحیم. (1353)، *حکیم عمر خیام و زمان او*، تهران، گوتنبرگ.
- فرزانه، محسن. (1353)، *خیام شناخت*، تهران، کتابخانه فروردین.
- فرزانه، محسن. (1356)، *نقد و بررسی رباعی‌های خیام*، تهران، کتابخانه فروردین.
- فروغی، محمد علی، غنی، قاسم. (1321)، *رباعیات حکیم خیام نیشابوری*، تهران، شرکت سهامی چاپ رنگین.
- فولادوند، محمدمهدی. (1378)، *خیام‌شناسی*، تهران، الست فردا.
- قراملکی، احد فرامرز. (1380)، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قنبری، محمدرضا. (1384)، *خیام‌نامه*، تهران، انتشارات زوار.
- کیوان قزوینی، عباس. (1378) *شرح رباعیات خیام*، تهران، انتشارات آفرینش.
- گرایلی، فریدون. (1379)، *نیشابور و محاکمه عمر خیام*، مشهد، انتشارات جلوه اندیشه.
- گرین، آلفرد و دیگران. (1376)، *مبانی نقد ادبی*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، نیلوفر.
- میرافضلی، سید علی. (1382)، *رباعیات خیام در منابع کهن*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- مهاجر شیروانی، فردین. (1382)، *خیام و عقاب قلعه الموت*، تهران، سنایی.
- نجف‌زاده بارفروش، محمداقبر. (1383)، *ترانه‌های خیام*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- هدایت، صادق. (1342)، *ترانه‌های خیام*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- همایونفر، فتح‌الله. (1355)، *سیمای خیام*، تهران، چاپ نیلوفر.
- یکانی، اسماعیل. (1342)، *نادره ایام حکیم عمر خیام*، تهران، چاپ بهمن.